

پدیده مقاومت، بستر ساز اعمال قدرت فراملی جمهوری اسلامی ایران

حسین اکبری^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱/۱۶

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۲/۲۸

صفحات مقاله: ۱۹۳-۱۵۱

چکیده

ظهور انقلاب اسلامی ایران و ارائه راهبرد دفاع از حقوق مظلومان و اندیشه استکبارستیزی که براساس مبانی اعتقادی شیعی شکل گرفته در قرن بیستم پدیده جدیدی در معادلات بین‌المللی به وجود آورد و قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی را به چالش کشاند. در این تقابل، اندیشه مقاومت در بین ملت‌های تحت ظلم در طول دو دهه به توانمندی قابل توجهی دست یافت و توانست در مقابل تهدیدات بزرگی ایستادگی نماید. شکل‌گیری حزب‌الله در لبنان و حماس در فلسطین و گروه‌های مبارز در عراق، افغانستان و بوسنی با حمایت انقلاب اسلامی توانستند پیروزی‌های بزرگی برای ملت خود کسب کنند. این پدیده علاوه بر تأثیرگذاری به شکل و نوع مبارزه منافع متقابلی میان مقاومت و انقلاب اسلامی ایجاد نموده است، به نحوی که انقلاب اسلامی علاوه بر توانمندی در حوزه قدرت ملی می‌تواند از توان مقاومت، اندیشه شیعی در قالب مدل کنشی و واکنشی قدرت فراملی خود را توسعه دهد و جبهه ضد استکباری را در راستای دفاع از حقوق گروه‌های مقاومت که اساساً ریشه در تأمین منافع مقاومت دارد را گسترش دهد.

* * * * *

۱ - دانشجوی دکتری رشته مطالعات بین‌الملل دانشگاه جامع امام حسین (ع).

کلید واژگان

پدیده مقاومت، اندیشه‌های شیعی، انقلاب اسلامی، استکبارستیزی، قدرت ملی، قدرت فراملی، دفاع از حقوق مستضعفین

مقدمه

ظهور پدیده انقلاب اسلامی به عنوان مهم‌ترین تحول در قرن بیستم موجب شد تا نظام دوقطبی حاکم بر جهان را از خود متأثر کند. شعار نه شرقی، نه غربی و جمهوری اسلامی به معنای نفی شرق و غرب و ابداع جمهوری اسلامی به عنوان الگوی جدیدی در ارائه نوعی حکومت که در آن اسلامیت و جمهوریت می‌تواند سازگاری داشته باشد. در واقع دو سؤال اساسی را در ذهن مخالفین خود به وجود آورد که:

۱- آیا انقلاب اسلامی می‌تواند خارج از سلطه شرق و غرب به حیات سیاسی خود ادامه دهد؟

۲- آیا جمهوریت که مظهر دموکراسی نوین است می‌تواند با اسلامیت که (به زعم آن‌ها) اندیشه بنیادگرایی است عجین شود؟

این شرایط در حالی بود که موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی و حتی ژئواکونومیکی ایران برای قدرت‌های شرق و غرب از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود و در واقع وزن ایران برای قدرت‌های شرق و غرب در معادله قدرت تعیین‌کننده بود، ضمن اینکه برخی در عین ناباوری منتظر بودند تئوری انقلاب در میدان عمل سنجیده شود.

در واقع شعار ایران که از منشأ اندیشه‌های عاشورایی شیعه برمی‌خاست یک نظریه و تئوری فراملی بود. دشمنی آمریکا با قدرت انقلاب و حمایت شرق و غرب از جنگ عراق علیه ایران نه تنها خللی در اراده انقلاب ایجاد نکرد، بلکه به نمایی از اقتدار ملی ایران تبدیل گردید. فروپاشی شرق و یکه‌تازی غرب

نیز فصل جدیدی از مبارزه قدرت هژمون علیه انقلاب اسلامی است که بیش از دو دهه بزرگ‌ترین چالش ذهنی غرب به شمار می‌آید.

مقاومت و ایستادگی انقلاب اسلامی و حرکت رو به پیش اندیشه مردم‌سالاری دینی و مکمل بودن جمهوریت و اسلامیت که در اندیشه شیعه از آن به عنوان امتزاج دین و سیاست نام برده می‌شود، علاوه بر اثبات نظریه نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی سبب شد این اندیشه در بین ملت‌های تحت ظلم مانند افغانستان، لبنان، فلسطین و بعدها در عراق و بوسنی و دیگر کشورهای اسلامی به گفتمان غالبی تحت عنوان گفتمان مقاومت تبدیل شود. در واقع شکل‌گیری جریانات مقاومت که به نوعی مُلهم از شعارهای انقلاب اسلامی به معنای ایستادگی و مقاومت در برابر قدرت‌های زیاده‌طلب برای احقاق حقوق خود بود موجب تجربه‌عملی برای دیگر مقاومت‌ها شود. به عنوان مثال ایستادگی و مقاومت حزب‌الله در مقابل اسرائیل الگویی برای مبارزه ملت فلسطین گردید و مقاومت ملت افغانستان علیه اشغالگری شوروی الگویی برای مبارزه مقاومت عراق علیه اشغالگری آمریکایی بود.

در واقع باگذشت بیش از دو دهه از تجربه عملی مقاومت در صحنه‌های متفاوت بویژه مقابله و پیروزی مقاومت حزب‌الله و حماس در برابر اسرائیل و پیوند قوی آن‌ها با انقلاب اسلامی پدیده مقاومت را به عنوان بازیگری مهم در صحنه بین‌الملل مطرح می‌کند. پیوستگی و نیاز متقابل دو پدیده انقلاب اسلامی و مقاومت شرایط جدیدی از مؤلفه قدرت فراملی را برای طرفین به وجود آورده است. بنابراین، در این پژوهش محقق درصدد پاسخ به این سؤال است که آیا پدیده مقاومت یکی از مؤلفه‌های قدرت فراملی است؟ قلمرو این تحقیق از حیث زمانی از آغاز پدیده انقلاب اسلامی و از حیث مکانی جغرافیای جهان اسلام و از حیث حوزه تحقیق در حوزه دیپلماسی است و از جهت سطح تحقیق در سطح استراتژیک و نگاه عام به اهمیت و جایگاه پدیده مقاومت

است. در حقیقت تأثیر و تأثر قدرت فراملی و پدیده مقاومت متغیرهای اصلی می‌باشند که در فرضیه تحقیق پدیده مقاومت یکی از مؤلفه‌های قدرت فراملی در نظر گرفته شده اگرچه فرضیه جایگزین جایگاه پدیده مقاومت را مهم‌ترین مؤلفه قدرت فراملی می‌داند به نظر می‌رسد توجه دادن به اندیشه قدرت فراملی انقلاب اسلامی و کالبدشکافی مفهومی پدیده مقاومت براساس مصادیق عینی علاوه بر روشنگری در حوزه پژوهش‌های علمی در ابعاد مهمی از مؤلفه‌های قدرت فراملی ایران که کمتر به آن پرداخته شده نوآوری در تشریح حقایق پنهان به حساب آید.

تعریف مفاهیم

گفتمان مقاومت: در حقیقت مقاومت از قدرت تولید می‌شود و عموماً در رابطه بین مقاومت و قدرت وزنه برتری را به قدرت می‌دهد. در واقع اگر مقاومت تسلیم شود خشی خواهد شد. بنابراین، میزان و چگونگی مقاومت در تقابل بین قدرت و مقاومت بسیار تعیین‌کننده است، زیرا اصولاً مقاومت از حداقل ابزارها در مقابل قدرت برخوردار است الا اینکه مقاومت از ابزار ایدئولوژی نیز استفاده کند. وقتی مقاومت از ایدئولوژی استفاده می‌کند توان مضاعفی را کسب می‌کند و پیش‌توانه مردمی قوی برای خود ایجاد می‌کند و از ابزارهای غیرفیزیکی نیز بهره‌مند می‌شود. از نظر میشل فوکو تحقیقات تاریخی در پی پایه‌گذاری، وجود گفتمان‌ها یا شکل‌بندی گفتمانی است. این گفتمان‌ها با تعبیر ساختارگرایی نویسندگانی چون «لویی اشتراس» یا «آلترسر» متفاوت است.

از نظر فوکو گفتمان‌ها فضاهایی هستند که انواع عوامل تعیین‌کننده درون آن‌ها به خلق برداشت‌های بشری از خود و اقدامات بشری می‌پردازد. فوکو معتقد است شکل‌بندی‌های گفتمانی شبکه‌های قدرتی هستند که همه ما در درون آن قرار داریم. وی معتقد است قدرت هم می‌تواند مثبت باشد و هم منفی، هم

مولد باشد و هم سرکوب‌گر. او اصرار می‌کند که هر مورد قدرت نوعی مقاومت در برابر قدرت را با خود می‌آورد. (مک لین، ۱۳۸۱: ۳۱۲)

مقاومتی که دارای راهبرد و پشتوانه مردمی و ایدئولوژیک باشد می‌تواند در مقابل قدرت‌ها ایستادگی مضاعفی را از خود نشان دهد.

رابطه قدرت و مقاومت

توجه به حوزه مقاومت‌های صورت‌گرفته در برابر قدرت، ما را در فهم هر چه بهتر روابط قدرت یاری می‌دهد. به اعتقاد میشل فوکو «هیچ قدرتی و یا اقتداری نمی‌توان یافت که در برابر خود مقاومت نیافریند» و در برابر هر رابطه‌ای از قدرت می‌توان حوزه کاملی از پاسخ‌ها، واکنش‌ها و تدابیر ممکنه را مشاهده کرد. پس نحوه اعمال قدرت ممکن است از طریق ماهیت مقاومتی که در برابر آن ایجاد می‌شود شناخته شود. مقاومت همیشه در روابط قدرت به عنوان «تقابل غیرقابل تقلیل» موردنظر قرار می‌گیرد.

در واقع قدرت صرفاً در جریان مبارزه‌ها، واکنش‌ها و مقاومت‌هایی جریان می‌یابد که انسان‌ها جهت به هم ریختن مناسبات قدرت صورت داده‌اند. از این رو، مورد توجه قرار دادن اشکال مقاومت صورت‌گرفته در برابر قدرت ضرورتی اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود. (Bashgah. Net: 20537)

گفتمان مکانی است که در آن سلطه و مقاومت در برابر هم می‌ایستند. فوکو بر این باور است که گفتمان‌ها ساختار دارند. تحلیل این ساختارها به ما کمک می‌کند که بتوانیم تغییراتی در اشکال گفتمان‌های حاکم ایجاد کنیم. قدرت و مقاومت اگرچه به نوعی تضاد دارند و در فضای توازن وحشت زیست می‌کنند، اما گاهی نیز ممکن است به تحمل یکدیگر برسند. زیرا موازنه وحشت، موازنه

ترور^۱ به وضعیتی اشاره دارد که در آن دو کنشگر می‌توانند به شکلی باور کردنی یکدیگر را تهدید به نابودی کنند. لازم نیست این توانایی تمام عیار (Total) باشد، اما بی‌تردید از سوی طرفین ذی‌نفع غیرقابل قبول است. موازنه وحشت از موازنه قدرت مشتق شده است. (همان: ۷۹)

البته بین مقاومت و تروریسم نیز تفاوت‌های جدی وجود دارد اگرچه دشمن سعی می‌کند مقاومت را تروریسم معرفی کند. حتی در سازمان ملل نیز این تفاوت‌ها توصیف شده است. بنابراین، «طبق منشور سازمان ملل برای تحقق بخشیدن به حق تعیین سرنوشت، حق آزادی، حق استقلال مردمی که به زور از این حق محروم شده‌اند... بویژه ملت‌هایی که تحت فشار رژیم‌های استعماری و نژادپرست و اشغال خارجی زندگی می‌کنند» انجام می‌شود. آیا چنین اقداماتی در حیطه تروریسم قرار می‌گیرند یا در حوزه مقاومت؟ موارد مذکور به طور قاطع به عنوان جنایت تروریسم از سوی مجمع عمومی تقبیح شده است. حقوق تعریف شده در قطعنامه دسامبر ۱۹۸۷ (که با ۱۵۳ رأی موافق، ۲ رأی مخالف و یک رأی ممتنع) مجمع عمومی سازمان ملل اعلام می‌کند «هیچ چیزی طبق این قطعنامه نمی‌تواند به هیچ‌وجه حقوق تعریف شده را خدشه‌دار سازد. بنابراین، در جهان تنها اسرائیل و آمریکا حاشا می‌کردند که این اقدامات مقاومت نیست بلکه تروریست است. همان دو کشوری که به قطعنامه رأی مخالف دادند. (چامسکی، ۱۳۸۷: ۲۳۸)

بر این اساس ایالات متحده و اسرائیل حزب‌الله لبنان را تروریست می‌دانند در حالی که حزب‌الله با این هدف تشکیل شد که در برابر اشغالگری اسرائیلی‌ها در جنوب لبنان مقاومت کند و موفق شد اشغالگران را که دو دهه نسبت به دستورات شورای امنیت برای عقب‌نشینی بی‌اعتنایی می‌کردند بیرون براند. آمریکا

1 - Balance of Terror

مقاومت ملت‌ها در برابر تجاوز مستقیم ایالات متحده را تروریست می‌خواند اخیراً عراقی‌ها را نیز تروریست خوانده است. (همان: ۲۳۹) بنابراین، مقاومت قدرتی است کارآمد که توانسته است با نقاط ضعف دشمن درگیر شود و دشمن را وادار به انفعال نماید. امروزه تنها قدرت کارآمد در مقابل نظام سلطه مقاومت است که شکست‌های تاریخی نیز در عراق و لبنان و فلسطین به دشمن تحمیل کرده است آن هم در شرایط کاملاً نابرابر با شیوه‌های نامتقارن زیرا به خدا و مردم خود اتکا کرده و پیروز شده است.

دیسپوزیتیو^۱ و مقاومت

دیسپوزیتیو در اندیشه فوکو توصیفی است برای یک مجموعه کاملاً ناهمگون. این مجموعه دربرگیرنده گفتمان‌ها، سازمان‌ها، ساختارها، تصمیمات تعیین‌کننده، قوانین، اقدامات اجرایی، نظرات علمی و آموزه‌های فلسفی و اخلاقی می‌باشد. فوکو مدعی است که قدرت در دایره دیسپوزیتیوها و گفتمان‌ها شکل می‌گیرد. این گفتمان‌ها مکان خیلی مهم برای مقاومت در برابر روابط قدرت‌اند. از این رو، باید گفتمان‌ها را که متشکل از اعمال گویش‌اند دقیق تجزیه و تحلیل کرد تا بدین وسیله به استراتژی و اهداف آن دست یابیم. (همان)

فوکو در فرضیه سرکوب معتقد است، فرضیه سرکوب^۲ به ما تفهیم می‌کند که سرکوب‌گرایی اولیه نقطه آغاز برای رشد شخصیت اقتدارگرائی است. رهایی از زنجیرهای انضباطی موجب خواهد شد که شخصیت انسان‌ها به بار ننشیند و این خود ضرورتی برای مقاومت علیه استثمار سرمایه‌داری است.

قدرت فراملی: قدرت فراملی بر پایه و اساس قدرت ملی شکل می‌گیرد. در واقع اگر اقتدار ملی وجود نداشته باشد، قدرت فراملی دوام نخواهد داشت.

1 - Dispositive

2 - Repressionthese

قدرت فراملی به معنای «فراتر از ملت‌ها» است. هانتینگتون معتقد است سازمان‌های فراملی^۱ بر مبنای سه معیار تعریف می‌شوند:

۱ - آن‌ها از نظر داخلی سازمان‌های پیچیده‌ای هستند؛

۲ - از نظر کارکردی ویژه‌اند؛

۳ - از نظر بین‌المللی فراتر از مرزهای دولتی عمل می‌کنند. وی سازمان آزادی‌بخش فلسطین (PLO) و کلیسای کاتولیک روم را از مصادیق آن می‌داند. (ایوانزونونام، ۱۳۸۱: ۸۲۳)

مؤلفه‌های قدرت فراملی ایران

اساساً مؤلفه‌های قدرت ملی یک کشور از برتری عناصر قدرت ملی تشکیل می‌شود و در تعاریف قدرت منطقه‌ای عموماً شاخص‌های بین‌المللی و حمایت‌های کشورهای منطقه را مطرح می‌کند و امروزه این توازن به هم خورده و رژیم اشغالگر قدس علی‌رغم دارا بودن حمایت‌های بین‌المللی و ابرقدرت‌ها و برتری عناصر قدرت ملی در درون کشور نه تنها قدرت برتر منطقه‌ای نیست بلکه به شدت از سوی قدرت‌هایی تهدید می‌شود که در ادبیات روابط بین‌الملل به آن‌ها اشاره‌ای نشده است. به تعبیری امروزه عناصری در قدرت ملی مطرح هستند که در عمل تأثیرگذار ولی در تعریف مفاهیم تئوریزه نشده‌اند. بنابراین در تبیین مؤلفه‌های قدرت فراملی ایران سه مؤلفه وجود دارد که این ویژگی‌ها شاید تنها به ایران اختصاص دارد که عبارتند از:

الف) مؤلفه اول: عوامل قدرت ملی ایران

ب) مؤلفه دوم: اندیشه‌های شیعی

ج) مؤلفه سوم: پدیده مقاومت.

1 - Transnational Organization

الف) مؤلفه عوامل قدرت ملی ایران

۱ - شرایط طبیعی

ایران از گذشته‌های دور به علت قرار گرفتن بر سه راه ارتباطی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا و همجواری با روسیه تزاری و هند (قبل از جدا شدن افغانستان از ایران کشور ما همسایه هند بود) و نیز کشف نفت در منطقه خلیج فارس و خزر، از جایگاهی استراتژیک و برجسته برخوردار بوده است، افزون بر آن، اندیشه غالب رهبران شیعه در ایران به عنوان حلقه‌های اتصال بین مردم و حکومت بر تأمین منافع کشور تأثیرگذار بوده است.

- **توان اقتصادی ایران:** ایران از نظر اقتصادی دارای ذخائر عظیم نفت و گاز، معادن غنی اورانیوم، مس، سرب، روی و... است؛ به طوری که بزرگ‌ترین معادن اورانیوم خاورمیانه در منطقه ساغند یزد و بزرگ‌ترین ذخیره مس جهان در سرچشمه و میدوک کرمان (بعد از کشور شیلی) قرار دارد. (شیرودی، ۱۳۸۳: ۲۳) از حدود ۹۰۷ میلیارد بشکه ذخائر نفت^۱ شناخته شده در جهان، ۶۶۰ میلیارد بشکه یعنی ۶۶ درصد آن در خلیج فارس قرار دارد و از این مقدار حدود یک هفتم آن به ایران تعلق دارد. از نظر ذخائر گاز، ایران به تنهایی دارای چهارده میلیارد متر مکعب گاز طبیعی است و از این جهت دومین کشور جهان محسوب می‌شود. این در حالی است که آمریکای شمالی ۸ درصد و آمریکای لاتین و آفریقا ۶ درصد سهم گاز را به خود اختصاص داده‌اند. (خداوردی، ۱۳۸۳: ۵۹)

- **توان فرهنگی - اجتماعی ایران:** وجود بیش از ۹۰ درصد جمعیت شیعه در ایران، ساختار فرهنگی - مذهبی قوی در کشور بویژه جایگاه مراجع تقلید در اعتقادات مردم، ویژگی‌های فقه پویا و تقلید در مذهب شیعه نقشی ویژه در دفاع

۱ - در سال ۱۹۰۸ نفت در ایران، ۱۲ سال بعد در عراق، ۲۹ سال بعد در عربستان و ۳۰ سال بعد در کویت و قطر کشف شد و صادرات نفت از سال ۱۹۸۴ آغاز گردید.

از ارزش‌ها و مرز و بوم کشور داشته است، بویژه از زمانی که اندیشه‌های امام^(ره) وارد معادلات اجتماعی سیاسی شد.

محمد اقبال لاهوری در کتاب *فلسفه خودی* با شگفتی پیش‌بینی می‌کند که تهران در آینده قرارگاه مسلمانان خواهد شد. (مجله راهبرد، ش ۱۲: ۱۸)

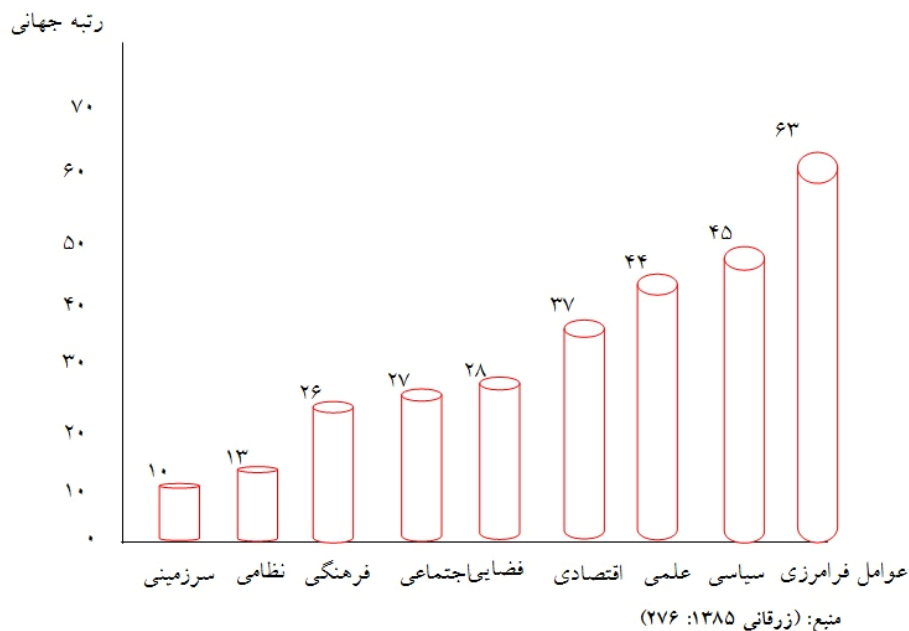
- موقعیت جغرافیایی: ایران از لحاظ موقعیت جغرافیایی از دیر زمان جزو مناطق حساس و مهم ژئواستراتژی، ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک بوده است؛ به گونه‌ای که دارای بیشترین ساحل در خلیج فارس و مشرف بر تنگه هرمز است، این تنگه آبراهی هلالی شکل به طول ۱۸۷ کیلومتر است که خلیج فارس را به دریای عمان متصل می‌کند. عرض این تنگه در باریک‌ترین بخش آن یعنی بین جزیره قونین کبیر و جزیره لارک ۳۸ کیلومتر و در مدخل تنگه به عرض ۹۶ کیلومتر می‌رسد. آلبوکرک، مهاجم پرتغالی به منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند در سال ۱۵۰۷م می‌گوید: «هر دولتی که بر سه تنگه (هرمز، باب‌المندب و مالاکا) تسلط داشته باشد، بر جهان مسلط خواهد بود. (حافظ‌نیا، ۱۳۷۱: ۲۵)

تنگه هرمز مهم‌ترین خطوط بین‌المللی حمل نفت است که حدود ۷۵ درصد صادرات نفت کشورهای ساحلی خلیج فارس از آن عبور می‌کند. هر سال میانگین عبور کشتی‌های نفتی و تجاری به بیش از ۵ هزار فروند می‌رسد. حفاظت از تنگه هرمز طبق توافق ایران و عمان در سال ۱۹۷۴ به عهده دو کشور است. (مجتهدزاده، ۱۳۷۱: ۵۲)

۲- اندازه‌گیری عوامل قدرت ملی

دکتر حافظ‌نیا عوامل نه‌گانه قدرت ملی شامل عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، سرزمینی، نظامی، علمی و فناوری، فرامرزی و فضایی را شاخص‌های مهم قدرت منطقه‌ای و جهانی کشورها می‌داند. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۸۱)

در این روش، در هر عامل، شاخص‌های کمی قدرت ایران در بین ۱۳۹ کشور مهم جهان بررسی شده است.



شکل شماره ۱ - مقایسه رتبه ایران در عوامل نه گانه در بین ۱۳۹ کشور

چنان که در نمودار مشخص است، در مجموع عوامل نه گانه، بهترین رتبه ایران به عامل سرزمینی برمی گردد که جمهوری اسلامی ایران با کسب رتبه دهم در بین ده کشور برتر جهان قرار گرفته است. ایران در صورت مدیریت بهینه می تواند زمینه ساز پیشرفت کشور در سایر عوامل باشد. رتبه ایران در عامل نظامی بسیار خوب است، بویژه این که در قابلیت نامتقارن از شرایط بهتری برخوردار است. در عامل فضای ایران از بین ۱۳۹ کشور، رتبه ۲۸ را داراست. در رتبه اقتصادی نیز ایران سی و هفتم جهان است که بسیار کمتر از قابلیت های ذاتی ایران به نظر می رسد. (همان)

گفتنی است، رتبه علمی ایران بیشتر از آمار ذکر شده در نمودار است. به عنوان مثال، ایران در هفت شاخه علمی (ریاضی، مکانیک، پلیمر، شیمی، مهندسی شیمی،

فناوری نانو و پزشکی) در منطقه رتبه نخست را داراست و در جهان در رشته ریاضی رتبه ۱۲، در مکانیک رتبه ۱۴، در شیمی رتبه ۱۶، در مهندسی شیمی رتبه ۲۱، در فناوری نانو رتبه ۲۶ و در پزشکی رتبه ۲۷ را داراست. (حافظنیا، پیشین: ۹۸)



شکل شماره ۳ - رتبه ایران در مجموع عوامل (قدرت ملی) در مقایسه با کشورهای آسیای جنوب غربی (همان: ۱۰۱)

براساس سند چشم‌انداز بیست ساله، ایران باید تا سال ۱۴۰۴ به قدرت برتر منطقه آسیای جنوب غربی تبدیل شود که باید با برنامه‌ریزی نسبت به عوامل نه‌گانه، روند اقتدار منطقه‌ای را تقویت کرد. در حال حاضر، ایران بعد از ترکیه در موقعیت دوم قرار دارد که با مقام برتر فاصله چندانی ندارد.

ب) مؤلفه اندیشه شیعی

شیعه مکتبی با ویژگی‌های خاص که توانسته است پیوند دین و سیاست را مبتنی بر قرآن و سیره عملی ائمه اطهار به عنوان ترجمان عملی قرآن به وجود آورد و بر این اساس تئوری حکومت ولایت فقیه را در آمیزه‌ای از جمهوریت و اسلامیت ابداع نماید. علاوه بر آن اندیشه کلان شیعه به دنبال نجات بشریت به عنوان رسالت دینی براساس دستور قرآنی است که در مسیر عاشورایی در انتظار ظهور منجی حیات خود را تعریف کرده است. این ویژگی نجات بشر را منافع می‌پندارد و وظیفه را از حوزه منافع ملی وسیع‌تر می‌کند.

بنابراین، مکتبی که از امتزاج دین و سیاست به عنوان راهبردی برای نیل به سعادت بشری سخن به میان می‌آورد موجب تولید قدرت می‌شود. در حقیقت همان چیزی که در صدر اسلام و در دوران زعامت پیامبر اعظم (ص) بر مسلمین وجود داشت تعداد اندک بر جمع کثیری از دشمنان پیروز می‌شدند (کم من فئة قليلة غلبت علی فئة کثیره) در واقع موازنه قدرت به اراده الهی به نفع دین‌مداران تغییر می‌کند و زمانی این وعده الهی محقق می‌شود که حرکت الهی باشد و حرکت الهی یعنی تلاش برای اجرای عدالت به نوعی که حقوق مخلوقات خداوند در آن رعایت شده باشد.

اندیشه شیعی از آن جهت مؤلفه قدرت قلمداد می‌شود که سنت رسول گرامی اسلام را که منبعث از وحی و قرآن است اجرا می‌کند و این حرکت الهی اراده و وعده الهی را محقق می‌کند به نحوی که یک شیعه علیه ظلم و بیداد قیام می‌کند و از قید منافع شخصی و ملی عبور می‌کند و به منافع می‌اندیشد که رضایت خدا و تکلیف دینی است. در واقع این اندیشه جهان وطنی مرزها را درمی‌نوردد و به قدرت فراملی تبدیل می‌شود. آنگاه وظیفه دفاع از مستضعفان و انسان‌های تحت ظلم را بر خود واجب می‌داند و برای رسیدن به این وظیفه الهی با سلاح جهاد تا قله شهادت و رضایت معبود پیش می‌رود. در حقیقت اندیشه شیعه،

تکلیف دینی و یا عقیده را تولید می‌کند و عقیده حسینی جهاد را بر خود تکلیف می‌کند. آنگاه اندیشه شیعی مؤلفه مهمی از قدرت فراملی را به وجود می‌آورد همانگونه که امام حسین (ع) فرمودند: "انَّ الْحَيَاتِ عَقِيدَةٌ وَ جَهَادٌ".

۱ - نگاه غرب نسبت به شیعه: نظام سلطه غرب در طول تاریخ با شیعه درگیری داشته و به خوبی می‌داند شیعه حقیقی ظلم‌ستیز است و عدالت‌نگر. بنابراین، اعتراف غرب به حقایق شیعه بسیار مهم است. فرانسوا توال، ژئوپولیتیک‌دان فرانسوی می‌گوید: تشیع از بدو پیدایش خود (اگر ایران را استثنا کنیم) به عنوان مذهب اقلیت، مذهب پردازندگان و مذهب زجرکشیدگان مطرح بوده است و در عین حال به موازات تحولش، دیدی پیشگویانه و غیب‌گویانه (أخروی) از جهان و تاریخ را ترویج می‌کند. این مذهب أخروی بر فرجام تاریخ بشریت تأکید دارد و از بدو ورودش به جهان به صورت مذهبی انقلابی در آمده است. جمع این دو نظریه (ویژگی در اقلیت بودن شیعیان و دیدگاه بالقوه اخروی و انقلابی‌شان) همراه با بازگشت تشیع می‌تواند نظم جهانی را با عدم ثبات مواجه کند. وی می‌افزاید: از لحاظ سیاسی نیز اسلام قائل به جدایی جامعه مدنی و مذهب نیست (وابستگی دین و سیاست)، زیرا از زمان حضرت محمد (ص) امور سیاسی و مذهبی در هم آمیخته بود. به همین دلیل، تعارض اصلی میان شیعه و سنی، سیاسی است. (توال، ۱۳۷۹: ۱۳۹)

توال در صفحه ۱۴۳ کتاب ژئوپولیتیک شیعه می‌نویسد: تشیع، کاپیتالیسم و کمونیزم را یکسان رد می‌کند. انفجار تشیع تنها به مواضع ژئوپولیتیکی‌اش در خاورمیانه برنمی‌گردد، بلکه در محتوی و پیام سیاسی آن نهفته است. تلقی این که این اراده انقلابی و امید بخش به فقرا در جهان، تنها به عنوان یک ویژگی سطحی است، اشتباه است. زیرا این اراده می‌تواند زمانی دارای قدرتی انفجارآمیز و سهمگین باشد. شیعه با مدرنیته سازگار است و پیشرفت علمی و تکنولوژی را تسریع‌کننده آزادسازی انسان به عنوان مرحله تکمیلی در زمینه بازگشت امام غایب تلقی می‌کند؛ بازگشتی که پایان تاریخ و شروع یک جهان کامل را رقم خواهد زد. بر این اساس،

شیعه متحول خواهد شد و در قبال جامعه بین‌الملل به طور مستقل برای دفاع از مظلومان جهان قد علم خواهد کرد. (همان: ۱۴۴)

حکومت مبتنی بر مردم‌سالاری دینی با محوریت ولایت فقیه، در راستای اجرای عدالت الهی و حاکمیت خداوند بر بشر با هدف هدایت بشریت در جهانی زیست می‌کند که قدرت‌های استکباری با اندیشه‌های منافع محوری برای تأمین منافع خود به هیچ اصول و مبنایی پای‌بند نیستند و این اندیشه‌های خطرناک هر روز به سلاح‌های کشنده‌تر نیز مسلح می‌شوند.

بنابراین، انقلاب اسلامی با گفتمان عدالت‌محوری برای بشریت و ایستادگی و مقاومت در مقابل استکبار توانسته است گفتمان مقاومت را در منطقه توسعه دهد و با ارائه الگوی علمی، پیروزی و مقاومت در مقابل ظلم و ستم را نویدبخشد. افشای سیاست‌های ضداسلامی غرب و قتل عام ملت بی‌دفاع فلسطین و پیشرفت و موفقیت ام‌القری مقاومت (ایران) در حوزه‌های قدرت منطقه‌ای، نظریه امت اسلامی را بیشتر از هر زمان متوجه خود کرده است که این گفتمان غالب در راستای دفاع از حقوق امت اسلامی رو به توسعه و پیروزی است. بنابراین، اندیشه انقلاب اسلامی به عنوان شاخص قدرت منطقه‌ای از توانایی قدرت نرم برخوردار است که دشمنان اسلام به راحتی نخواهند توانست با آن مبارزه کنند. به تعبیر دیگر، این گفتمان به دلیل نامتقارن بودن، از تهدید ابزارهای مدرن دشمنان اسلام ناب محمدی (ص) دور است فوکویاما در کنفرانس اورشلیم با عنوان (بازشناسی هویت شیعه) می‌گوید: «شیعه پرنده‌ای است که بالاتر از تیررس ما (غرب) پرواز می‌کند. این پرنده دو بال سبز و سرخ دارد که بال سبز آن مهدویت و عدالت خواهی و بال سرخ آن عاشورا و شهادت طلبی است. این پرنده زرهی به تن دارد که آن زره ولایت فقیه است. فوکویاما مهندسی معکوس برای شیعه را حذف ولایت فقیه و حذف اعتقاد به شهادت و عاشورا می‌داند و برای بازمهندسی غرب استفاده از روایات ظهور در شأن عیسی مسیح^(ع) در قالب مکتب جدیدی بنام اونجلیس و تبلیغ اندیشه عاشورایی در

ذهن غرب را توصیه می‌کند. فوکویاما معتقد است نبرد آخر الزمان بین غرب و شیعه حتمی است وی اعلام میکند شیعه پیروز این نبرد خواهد بود». (مؤسسه شیعه‌شناسی، اسفند ۱۳۸۶: ۴۴)

در حقیقت، فوکویاما زمانی این اعتراف را مطرح می‌کند که در حال تشریح تز پایان تاریخ است و غلبه اندیشه لیبرال دموکراسی را بر بشر قطعی و تمام شده می‌پندارد. فولر در کتاب *ژئوپولیتیک اسلام و غرب* به نوع اسلام ایرانی و مشکلاتش با غرب بویژه با آمریکا چنین اشاره می‌کند: الگوی ایران برای کشورهای که حکومت‌های اسلامی در آن به قدرت می‌رسند، به احتمال قوی به مثابه یک هنجار است نه یک استثناء. بنابراین، اسلام سیاسی ایرانی تمام بخش‌های آمریکا درباره اسلام سیاسی را تحت الشعاع قرار داده و این تصور که آمریکایی‌ها روزی بتوانند با یک حکومت اسلامی از نوع ایران رابطه برقرار کنند و در عین حال شیطان بزرگ خوانده نشوند، بسیار مشکل به نظر می‌آید. (فولر و همکاران، ۱۳۸۴: ۴۰)

در خاورمیانه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، دو دوره اصلی در راهبرد امنیتی آمریکا در رابطه با اندیشه شیعه وجود داشته است:

دوره اول: از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ م که طرح خاورمیانه بزرگ و مقابله با سلفی‌گری عربستان از راهبردهای مهم آمریکا تلقی می‌شد. انتشار کتاب *شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده* توسط گراهام فولر و فرانکه باعث شد تا نگاه غرب نسبت به شیعیان عرب معتدل‌تر شود. فولر در این کتاب می‌نویسد: شیعیان در خلیج فارس تمایل چندانی به مقابله با آمریکا ندارند. بنابراین، غرب باید نگاه خود را از حالت کلیشه‌ای خارج و ذهنیت مخالفت شیعه با آمریکا و غرب را اصلاح کند. این ذهنیت از سوی آمریکایی‌ها ایجاد شده است، زیرا آن‌ها احساسات خود نسبت به انقلاب اسلامی ایران را به سایر کشورهای منطقه تعمیم می‌دهند. فولر معتقد است: غرب می‌تواند با استفاده از عقل‌گرائی شیعه، برای کنترل بنیادگرایی اهل تسنن، از عرب‌های شیعه حمایت کند. به همین دلیل،

آمریکایی‌ها پس از اشغال عراق به شدت توافق با شیعه را تبلیغ می‌کردند؛ در حالی که توافق با اهل تسنن را به دلیل نداشتن طرف گفت‌وگو مطلوب نمی‌دانستند. بنابراین، انتشار این کتاب بر اندیشه رهبران غرب برای تعریف رابطه معتدل با شیعه مؤثر بوده است.

دوره دوم: از سال ۲۰۰۵ تاکنون که در واقع، طرح خاورمیانه جدید آمریکا و جنگ ۳۳ روزه اسرائیل را برای مقابله با محور شیعی به ارمغان آورد. رایس، وزیر امور خارجه آمریکا، در تل‌آویو اعلام کرد: آنچه ما اینجا می‌بینیم (ویرانی لبنان) به علت تهاجم نیروهای اسرائیلی نیست، به دلیل افزایش درد زایمان برای تولد خاورمیانه‌های جدید است. بنابراین، آنچه ما انجام می‌دهیم، برای ایجاد امنیتی است که از پیشرفت خود مطمئن شویم و دیگر به عقب برنگردیم. (ناظم‌الرعايا، ۱۳۸۶: ۱۳۰).

انتشار کتاب *احیاگرایی شیعی توسط ولی‌الله نصر*، معاون ریچارد هاوس در شورای روابط خارجی آمریکا، افکار و سیاست‌های شیعه‌ستیزی را در ذهن غرب تقویت کرد؛ زیرا برخلاف دیدگاه‌های گراهام فولر در ارتباط با شیعه، وی معتقد است، انقلاب اسلامی ایران هویت شیعه را دگرگون کرده است و این دگرگونی نه تنها ساختار سیاسی کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار داده، بلکه می‌توان نشانه‌های آن را در تعارض همه‌جانبه گروه‌های اصول‌گرای شیعه با آمریکا دانست، زیرا تحول ناشی از اندیشه‌های موعودگرایی شیعه پیوند مشترک ایران و شیعیان منطقه است و مفاهیمی مانند کربلا، مهدویت و شهادت ریشه‌های اصلی احیاگرایی شیعه است که این امر موج‌های احساسی برای تهییج گروه‌های اجتماعی برای نیل به عدالت ایجاد می‌کند. (متقی، ۱۳۸۶: ۱۷۶)

۲ - نگاه کشورهای منطقه نسبت به شیعه

علت نگرانی از شکل‌گیری هلال شیعی، نگرانی از افزایش نقش و نفوذ

منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. این نگرانی برای نخستین بار توسط ملک عبدالله، پادشاه اردن مطرح شد که به نوعی نمایان‌گر نگرانی جهان عرب از به قدرت رسیدن شیعیان در یک کشور عربی (عراق) است. نگرانی از افزایش نقش و نفوذ ایران در قالب هلال شیعی به طور مکرر توسط سایر رهبران و مقام‌های جهان عرب از جمله حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر نیز بیان شد: «شیعیان منطقه بیشتر از آن که به کشور‌هایشان وفادار باشند، به ایران وفادارند». (حسنی مبارک، ۱۳۸۵/۱/۲۱)

سعود الفیصل در بیان نگرانی عربستان سعودی از افزایش نفوذ ایران در عراق و به طور کلی شیعیان در منطقه می‌گوید: «ما همه با ایران جنگیدیم تا عراق را اشغال نکند، اما اکنون همه کشور (عراق) را بدون دلیل به ایران تقدیم کرده‌ایم». علل نگرانی جهان عرب از شکل‌گیری «هلال شیعی» یا «ژئوپولیتیک شیعی» عبارت‌اند از:

۱-۲ - پررنگ شدن نقش عنصر شیعی در ساختار قدرت منطقه با ایجاد زمینه‌های ائتلاف بین ایران و عراق، ساخت قدرت و سیاست در منطقه را به ضرر جوامع دیگر که حکومت‌ها را در اختیار دارند به هم می‌زند.

۲-۲ - این ائتلاف در درون سرزمین‌هایی انجام می‌گیرد که حکومت‌های مخالف نظم سنتی موجود در رأس قدرت قرار دارند و این اتصال استراتژیک تعادل قدرت را بر هم می‌زند.

۳-۲ - تشکیل و تقویت چنین ائتلافی با نوع نگاه متفاوت نسبت به نقش بازیگران و حضور قدرت‌های بزرگ، تهدیدی برای حکومت‌های محافظه‌کار منطقه به حساب می‌آید. این امر بویژه از لحاظ تأثیرگذاری بر اقلیت‌های شیعی حوزه خلیج فارس حائز اهمیت است. بی‌تردید، استقرار یک نظام شیعی مردم‌سالار با محوریت ایدئولوژیک می‌تواند مشروعیت نظام‌های بسته عربی منطقه را با چالش روبه‌رو کند.

۴-۲ - جایگاه عراق جدید در حوزه سیاست خارجی ایران، براساس فراهم آوردن زمینه‌های فرصت‌سازی در راستای شکل‌گیری نظام امنیت جدید منطقه‌ای خلیج فارس قابل تعریف است. (برزگر، ۱۳۸۶: ۶۰)

۵-۲ - در شرایط کنونی محور تعاملات شیعیان ایران و عراق، بر مبنای اتصالات و تعاملات طبیعی و بالقوه مذهبی - ایدئولوژیک موجود بین دو طرف است تا سیاست‌های دولتی رژیم‌های دو کشور ایران و عراق برای تحت فشار قرار دادن یکدیگر. (همان: ۲۰۱)

پیوستگی جغرافیای تاریخی بین ایران، عراق، بحرین، شرق عربستان سعودی و شیعیان حاشیه جنوبی خلیج فارس جغرافیای مهم و گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد که با وجود ذخائر عظیم نفتی این همگرایی و ائتلاف می‌تواند شیعه را به قدرت فرامنطقه‌ای و تأثیرگذار در معادلات جهانی تبدیل کند

نگاهی به بعضی آمار و ارقام نشان‌گر زمینه‌های بالقوه قدرت شیعیان و آینده جایگاه و نقش آن‌ها در منطقه خلیج فارس، خاورمیانه و جهان است. در حال حاضر، جمعیت شیعه جهان تا ۲۰۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. این جمعیت در ایران، عراق، بحرین و آذربایجان در اکثریت و در کشورهای عربستان سعودی، لبنان، سوریه، کویت، قطر، امارات، یمن، افغانستان، هند و پاکستان در اقلیت‌اند. (Nasr, July - August 2006) حدود ۶۵ درصد از ذخایر نفتی جهان نیز در کشورهای حاشیه خلیج فارس قرار دارد که شیعیان در آن ساکن‌اند. کشورهای با اکثریت جمعیت شیعی، به حدود ۳۰ درصد ذخایر نفت دنیا شامل ایران، عراق و آذربایجان دسترسی دارند. اگر شیعه شرق عربستان سعودی نیز به این ارقام اضافه شود، این مقدار به حدود ۵۰ درصد می‌رسد. با توجه به چنین ویژگی‌هایی، نقش ایران به عنوان مرکز تحولات شیعی در جهان در سال‌های آینده دارای اهمیتی فراوان است. (برزگر، پیشین: ۶۳)

اندیشه جهان وطنی

جمهوری اسلامی بهترین و موفق‌ترین حکومت مردم‌سالاری در بین کشورهای منطقه است که از طریق برگزاری انتخابات مردمی اداره می‌شود. حکومت شیعی مبتنی بر اندیشه حکومت ولایت فقیه توانسته است در کنار جمهوریت، براساس اسلامیت سیاست‌گذاری کند و به تعبیری تنها حکومت دینی است که ارزش‌های الهی را بر منافع دنیایی ترجیح داده و براساس همین ارزش‌ها هویت و تعریف خاصی به خود گرفته که نظر ملت‌های مسلمان و نهضت‌های اسلامی را به خود جلب کرده است.

اسلام سیاسی به مفهوم مکمل بودن دین و سیاست، نوید الهام بخشی برای مسلمانان است تا بتوانند با تمسک بر آن، استقلال و هویت واقعی خود را بازیابند و خود را در مقابل تهدیدها و تحقیرهای دشمنان نجات دهند. چنان که جمهوری اسلامی ایران در طول سه دهه از عمر خود، برخلاف دشمنی قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و جهانی توانسته است ضمن ایستادگی و مقاومت بر اصول خود در زمینه‌های مختلف علمی، سیاسی، فرهنگی و حتی فناوری روز، در حمایت از مقاومت مسلمانان با اقتدار عمل کند و امروزه در بحران‌های منطقه‌ای به عنوان بازیگر مهم نقشی کلیدی داشته باشد.

ایران انقلابی که از دید دشمنانش، دولت سرکش نامیده می‌شود، دارای ویژگی‌های منحصر به فرد و بی‌همتاست. ایران تنها دولت انقلابی اسلام‌گراست که بقا یافته و جهان مدرن شاهد آن بوده است. ایران آشکارا مخالف آمریکاست و با قاطعیت تمام مخالف اسرائیل است و بنیان‌گذار و حامی چند سازمان اسلام‌گرای انقلابی مانند حزب‌الله لبنان است و با آهنگی شتابان در پی توانمندی هسته‌ای است. علاوه بر آن، دارای فضای سیاسی سرزنده و باز و دارای نهادهای مردمی است و رهبران آن از طریق آرای عمومی انتخاب می‌شوند. ایران دارای جامعه مدنی پر شور و زنده است که اگر آمریکا با قدرت منطقه‌ای ایران مخالف

نبود، شاید چنین الگویی اصیل را برای ساماندهی خاورمیانه برمی‌گزید. (احتشام، ۱۳۸۶: ۱۶۰).

در حقیقت اندیشه کربلایی و عاشورایی موجب شکل‌گیری حکومت اسکتبارستیز ولایت فقیه که در نوع خود حکومت جدیدی در تاریخ مسلمانان پس از حکومت امام علی^(ع) است گردید. در ذات این حکومت مقاومت در برابر ظلم و استکبار به عنوان وظیفه دینی و با امید به وعده‌های الهی نهفته است. این اعتقاد که منشأ آن در حکومت و اندیشه شیعی وجود دارد زمینه‌ای برای شکل‌گیری قدرت گفتمان مقاومت گردید. مقاومتی که در مقابل زورگویی و تجاوز دشمن باید بین ذلت و عزت یکی را انتخاب می‌کرد.

ج) پدیده مقاومت

برخی اندیشمندان سیاسی که عمدتاً در حوزه نظری پژوهش می‌کنند، مقاومت را عامل منفی در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌پندارند و معتقدند، پیشرفت و اقتدار در گرو بازی در چارچوب قواعد بین‌المللی است و تنها تکیه بر قدرت‌های فرامنطقه‌ای تضمین‌کننده قدرت منطقه‌ای است و چون جنبش‌های اسلامی و مقاومت در چارچوب‌های معمول تعریف نشده‌اند، پس نمی‌توانند عوامل قدرت باشند. شاید این اعتقاد از دید نظریه‌های علمی و مباحث کلاسیک درست باشد، ولی صحنه عمل دلایل نقض این نظریه را اثبات می‌کند. آقای سریع‌القلم معتقد است: «دفاع از نهضت‌های آزادی‌بخش با منافع دولت‌ها در تضاد قرار می‌گیرد و کشور حامی باید یا نهضت‌های آزادی‌بخش را انتخاب کند یا دولت حاکم را، زیرا انتخاب هر دو به طور هم زمان به معنی از دست دادن هر دو خواهد بود و تنها قدرت‌های جهانی می‌توانند با تمامی نیروهای سیاسی داخل یک کشور - ملت ارتباط برقرار کنند». (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۵۷) اگر این نظر درست باشد، باید اسرائیل که براساس قواعد و حمایت‌های بین‌المللی به

وجود آمده است، حکومتی موفق می‌شد، اما عملاً سیر قهقرائی داشته، هر چند به قواعد جهانی نیز عمل کرده است.

به نظر می‌رسد، نظر دکتر سریع‌القلم در مورد کلیه کشورها به جز جمهوری اسلامی درست باشد، زیرا جمهوری اسلامی برخلاف دیگر کشورها به دنبال تأمین منافع و استفاده ابزاری از جنبش‌ها نیست، بلکه حتی از منافع خود برای آزادی و رهایی جنبش‌ها هزینه می‌کند. ایران به دلیل اعتقادی و آرمانی، برای حمایت از ملت فلسطین هزینه‌های بسیاری پرداخته است.

۱ - ارتباط انقلاب فراتر از دولت‌ها: برخلاف قواعد تعریف‌شده در سطوح قدرت‌ها و روابط آن‌ها با دولت و جنبش جمهوری اسلامی ایران به دلیل ویژگی‌های ممتاز خود دارای قابلیت‌هایی ویژه است. بنابراین عملاً ایران هم با حزب‌الله و هم با دولت لبنان ارتباط دارد و هم‌چنین علاوه بر گروه‌های سیاسی و نهضتی عراق با دولت این کشور نیز همکاری می‌کند. در کشور بوسنی نیز با مسلمانان ارتباط قوی دارد و با دولت مختلط بوسنی و هرزگوین نیز روابط و ارتباطات رسمی و علنی دارد. در حقیقت، ایران در حوزه آزادی جنبش‌ها و در راستای منافع آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند. به همین دلیل، روابط و همکاری ایران در محدوده حقوق مدنی نهضت‌هاست. به عنوان مثال، احزاب و گروه‌های فلسطینی، عراقی، افغانی و... در چارچوب حقوق ملت خود حق دارند با کشورهای دنیا ارتباط برقرار کنند. در این چارچوب، جمهوری اسلامی را انتخاب کردند. چگونه حکومت‌های سوسیال دموکرات و کمونیستی حق دارند با احزاب همسو در جهان ارتباط برقرار کنند؟ پس حداقل به همین میزان حق برای جمهوری اسلامی نیز محفوظ است.

البته این که چرا دیگر کشورهای اسلامی نمی‌توانند چنین روابطی را برقرار کنند، دلیلی روشن دارد، زیرا کشوری می‌تواند اهداف آرمانی خود را دنبال کند که استقلال و آزادی واقعی داشته باشد. دولت و حتی مردم عربستان سعودی اندیشه وهابیت را قبول دارند، ولی در عمل براساس ملاحظاتی که از سوی آمریکا احساس می‌کنند

گاهی علیه ایران از آن‌ها حمایت می‌کنند و گاهی به نفع آمریکا آن‌ها را زندانی و اعدام می‌کنند یا این که گاهی سعودی‌ها به سیدحسن نصرالله تبریک می‌گویند و گاهی نیز برای نابودی حزب‌الله با تمام توان هزینه و بلکه دعا می‌کنند. بنابراین، از ویژگی‌های خاص جمهوری اسلامی، اندیشه و جهان‌بینی انقلاب ایران در گفتمان مقاومت است. به همین دلیل مقاومت از انقلاب اسلامی و رهبریت ایران اسلامی الهام و الگو گرفته است، ولی برای اجرای نقش خود از ایران اسلامی دستور نمی‌گیرد، زیرا دستور خود را در الهام مبارزاتی گرفته است. مقاومت فلسطین، لبنان، عراق و... با سلطه‌پذیری مبارزه می‌کند و معتقد است باید از حقوق خود دفاع کند، پس با دستورات ایران عمل نمی‌کند، بلکه با اندیشه‌های ایران به دنبال تأمین منافع ملت خود، آن هم بدیهی‌ترین حقوق ملت است. این اندیشه مقدس عنایات پروردگار را به دنبال دارد و مبانی آن از سرچشمه جوشان قرآن و عترت سیراب می‌شود. به همین دلیل، این اندیشه به شیعه یا مسلمانان محدود نیست.

«یوسف فرناندس»^۱ در روزنامه اسپانیایی امانسر^۲ در تیر ماه ۱۳۸۷ در مقاله‌ای با عنوان «نفوذ تفکر امام خمینی^(ع) در اسپانیا و آمریکای لاتین» می‌نویسد: آرمان امام خمینی تنها شامل حمایت از ایرانی‌ها یا اسلام نبود. آرمان وی، استقرار عدالت خداوندی برای تمام مظلومان بود. به عنوان مثال، فلسطینیان همگی مسلمان نیستند. امام خمینی^(ع) خواستار عدالت به علت قتل عام‌های فلسطینی‌ها و قتل عام در ویتنام، لبنان و بسیاری نقاط دیگر هم شد. در ایران انقلابی، حاکمیت الهی توسط ولایت فقیه به نام خداوند و به نفع امت (جامعه مسلمانان) اعمال می‌گردد. فرناندس معتقد است: تفکر امام به بسیاری از اسپانیایی‌ها در کشف اسلام کمک کرد و از دهه‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۸۰ مطالعات مربوط به ایران در بسیاری از نقاط کشور با استقبال مواجه شد. همین

1 - Yusef Fernandez

2 - Amanecer

طور انقلاب اسلامی به بسیاری از مردم در آمریکای لاتین اجازه داد تا اسلام را کشف و مطالعه کنند و در حال حاضر تعداد مسلمانان در این منطقه در حال افزایش است. ماروین زونیس^۱، مدیر مؤسسه مطالعات خاورمیانه دانشگاه شیکاگو می‌گوید: به عقیده من، پیام ایران تکان‌دهنده‌ترین ایدئولوژی سیاسی قرن بیستم از زمان انقلاب بلشویک است. در قرن بیستم تنها یک انقلاب خوب داشتیم و آن انقلاب ایران است؛ این پیام قدرتمند، طی مدت‌های طولانی با ما خواهد بود. فرناندس می‌گوید: امام خمینی در وصیت‌نامه خود نوشته است که «توصیه من به تمام مسلمانان و افراد مظلوم در جهان این است که ننشینید و منتظر بمانید که مقامات یا حکام خودتان با یک قدرت خارجی برای دادن موهبت آزادی و استقلال به شما عمل کنند.» در یکصد سال گذشته شاهد سلطه و نفوذ قدرت‌های عمده جهانی در کشورهای اسلامی بوده‌ایم و هیچ یک از حکام این کشورها نه تنها نگران آزادی و استقلال و رفاه مردم خود نبوده و نیستند، بلکه با برخوردهای ظالمانه و بی‌رحم تلاش کردند مردم خود را به سکوت وادار کنند. (فرناندس، ۱۳۸۷: ۸۰).

بنابراین، گفتمان مقاومت مبحث احیا و اقتدار اندیشه‌ای است که در فطرت انسان‌ها جای دارد، به همین دلیل، صاحبان اندیشه مقاومت از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردارند؛ البته نه این که اندیشه مقاومت در طول تاریخ وجود نداشته است بلکه اندیشه‌هایی که مبتنی بر اندیشه شیعه عاشورایی باشد و تجربه مقاومت و ایستادگی حکومت مردم‌سالاری ایران را داشته باشد، وجود نداشته است.

1 - Marvin Zonis

۲ - ویژگی‌های پدیده مقاومت: - اصولاً مقاومت تکیه‌گاه مردمی دارد و مبتنی بر ایدئولوژی شکل می‌گیرد. به همین دلیل، اهداف مقدس را دنبال می‌کند. در مقاومت، روحیه شهادت‌طلبانه دیده می‌شود و به جای این که دیگران را برای خود بخواند، خود را برای دیگران می‌خواند.

- مقاومت در محیط طبیعی پنهان می‌شود و دشمن به راحتی نمی‌تواند مواضع آن را تهدید کند. بنابراین، تجهیزات مدرن امروزی در برخورد با مقاومت کارایی خود را از دست می‌دهند (تا حدودی مقاومت دشمن را در استفاده از سلاح مدرن محروم می‌کند). در حقیقت، نیروهای مقاومت، نیروهای آشکار پنهانی است که ظاهر نمی‌شود، مگر برای اقدام در مقابل تهدید.

- در جنگ نامتقارن امروزه سلاح مقاومت در برابر قدرت‌ها چیرگی دارد و به تعبیری چون سلاح نامرئی و سلاح خوف عمل می‌کند.

- مقاومت همزمان می‌تواند در خانه خود و در خانه دشمن بجنگد. ابرقدرت‌ها در جنگ متقارن ابرقدرت‌اند، چون به سلاح‌ها و قدرت مادی متکی‌اند. در حالی که صاحبان قدرت مادی در مقابل قدرت اندیشه معنوی ابرذلتند. صاحبان قدرت مادی می‌جنگند تا بمانند، در حالی که صاحبان قدرت اندیشه با مرگ خود زنده می‌شوند.

آن‌هایی که معتقدند، قدرت منطقه‌ای در تعامل و پیوند با قدرت‌های بزرگ فرمانطقه‌ای شکل می‌گیرد، افکارشان خواسته یا ناخواسته پاسبان نظام سلطه است. مگر نه اینکه ایران ژاندارم منطقه و قدرت بلامنازع منطقه‌ای بود و دقیقاً براساس قواعد بین‌المللی بازی می‌کرد. سؤال اینجاست که نفع قدرت منطقه‌ای ایران نصیب ملت ایران می‌شد یا این که ثروت ملی و نفت ایران برای خرید سلاح‌ها و جنگ‌افزارهایی هزینه می‌شد که قرار بود (با خون ملت ایران و جنگ‌افزارهای نظامی) از کیان و منافع آمریکا و اسرائیل دفاع کند.

از پاسبانان سلطه باید سؤال شود که ژاندارم بودن ایران یا امپراتور بودن ایران افتخار

است یا عاشورای حسینی؟ در حقیقت، آن‌هایی که منتهالیه اندیشه شیعه را رفاه و منافع دنیوی می‌دانند، حق دارند عاشورا و جهاد را نفهمند و بلکه آن را به ضرر ملت بدانند؛ اما آن‌هایی که حقیقت اندیشه شیعه را به قیامت موعود متصل کنند، برای درو کردن می‌کارند و برای مردن تلاش می‌کنند تا زنده جاوید شوند. بنابراین، اگر انقلاب اسلامی را در امتداد نهضت شیعی بدانیم، باید بپذیریم که باید تمام قواعد و چارچوب‌ها از منطق حقیقی خلقت تبعیت کنند تا کارآمد باشند. در غیر این صورت، تکیه بر قواعدی که سلطه به وجود می‌آورد، حرکتی به سوی ظلمت است.

۳ - جایگاه پدیده مقاومت در قدرت فراملی ایران: پدیده، گفتمان

مقاومت از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت منطقه‌ای ایران به شمار می‌آید در بحث گفتمان مقاومت بویژه در دو دهه اخیر، اندیشه‌های انقلاب اسلامی توانسته است رهنمود کارآمدی برای نهضت‌های اسلامی ارائه دهد. به عنوان مثال، اندیشه انقلاب اسلامی در بحث فلسطین مبتنی بر اندیشه امام^(ره) یعنی تغییر استراتژی ملت فلسطین از ناکارآمدی مذاکره (که بعدها نیز عرفات به آن اعتراف کرد) به مقاومت و انتفاضه بود که باعث عقب‌نشینی اسرائیل از غزه شد. در نتیجه این موفقیت، ملت فلسطین، حماس (مولود مقاومت) را به جای سازمان آزادی‌بخش فلسطین که تمام عمر خود را در مذاکره سپری کرده بود انتخاب کرد و توانست در جنگ، ۲۲ روز در مقابل اسرائیل بایستد و دشمن را وادار به عقب‌نشینی کند. اتفاق مهمی که در طول تاریخ مبارزات فلسطین بی‌سابقه است. در حقیقت، ملت فلسطین پس از شصت سال به جایی رسیده است که می‌تواند رژیم اشغالگر قدس را در داخل سرزمین‌های اشغالی وادار به شکست کند. مثال دیگر، مقاومت حزب‌الله لبنان بود که اسرائیل را به عقب‌نشینی از لبنان وادار کرد و طعم تلخ بزرگ‌ترین شکست را در جنگ ۳۳ روزه به اسرائیل چشاناند. در حقیقت، مقاومت، نبردی نامتقارن است که با آسیب‌پذیری دشمنان قدرتمند ارتباط دارد و

شاید مقاومت امروزه تنها قدرت فائده بر اسرائیل و آمریکا است. از ویژگی‌های مقاومت، اندیشه و راه و رسم مبارزه برای تحقق اهداف متعالی است. در حقیقت، حزب‌الله لبنان، ملت فلسطین و مردم عراق قبل از این که منفعتی برای ایران به دست آورند، نیاز خودشان را تأمین می‌کنند؛ گرچه ایران الگوی موفق و تکیه‌گاه مطمئنی برای آنهاست.

اسلام انقلابی مبتنی بر نفی سلطه و تأمین آزادی انسان‌ها براساس عقاید و ارزش‌های دینی، بخشی از اعتقادات شیعی در طول تاریخ بوده است که طبیعتاً دفاع از حقوق مظلومین و مستضعفان نیز در ادامه این اندیشه به عنوان تکلیفی دینی است. به همین دلیل، این اندیشه و مقاومت‌های اسلامی هم‌دیگر را در حکومت ولایت فقیه ایران اسلامی دریافته‌اند. فرایند رشد این اندیشه، در میدان عمل، دستاوردهای پیروزمندان‌های داشته و توانسته است نظر دوست و دشمن را به طور جدی به عنوان تهدیدی برای ابرقدرت‌ها و فرصتی برای مبارزه و مقاومت علیه استکبار به خود جلب کند. امروزه مقاومت در حوزه جغرافیای خود نقش فراملی ایفا می‌کند که بیش از همیشه دشمن را در انفعال قرار داده است.

فوکو معتقد است، رهایی از زنجیره‌های انضباطی باعث خواهد شد که شخصیت انسان‌ها به بار بنشیند و این خود ضرورتی برای مقاومت علیه استثمار سرمایه‌داری است. در حالی که اعتراف در برابر سلطه نه تنها رهایی‌بخش نیست، بلکه ابزار سلطه است. (هورک هایمر، ۱۳۷۵: ش ۳ و ۴)

با توجه به نظریه‌های قدرت بویژه در ارتباط با مقاومت، ادله‌های میدانی اثبات می‌کنند که اگر اقدامات و تهدیدات نظام سلطه نبود، اساساً مقاومت به وجود نمی‌آمد؛ زیرا مقاومت برای دفاع تشکیل می‌شود و حتی در اقدامات هجومی نیز به دنبال تثبیت دفاع از آرمان خود است. مقاومت در مقابل قدرت منفی شکل می‌گیرد. به عنوان مثال، مقاومت ملت‌های فلسطین و افغانستان در مقابل هجوم

اسرائیل، شوروی و طالبان و مقاومت اسلامی لبنان در برابر تهدیدات اسرائیل به وجود آمده است. بنابراین، دو نوع قدرت منطقه‌ای وجود دارد: قدرتی که می‌تواند ترتیبات منطقه را شکل دهد و قدرتی که توان برهم زدن ترتیبات غیرمطلوب منطقه را دارد. در شرایط امروز، قدرت گفتمان مقاومت از نوع دوم است؛ در حقیقت، قدرت متکی به مقاومت ناگزیر در پدافند نامتقارن عمل می‌کند و در کارآمدی مضاعف چالش‌گری بیشتری ایجاد می‌کند.

جریان مقاومت در افغانستان توانست در مقابل کمونیست و القاعده پیروز شود و پس از اشغال کشورشان توسط آمریکا، از حقوق نسبی خود دفاع کردند. در واقع مقاومت دشمن را ناگزیر کرد به تناسب قدرت خود حقوقی به دست آورد. نظام سلطه برای سلطه‌پذیر همانقدر حق قائل است که قدرت دارد.

چگونگی قدرت مقاومت: در جهان امروز آنچه بر سازمان ملل و جهان حکومت می‌کند توازن قدرت است نه عدالت و آزادی و اخلاق به همین دلیل صف‌کشی قدرت در جهان به دو جبهه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تقسیم شده و ادوارد سعید معتقد است ترتیبات و سلطه نظام غرب آن چنان گسترده و پیچیده است که جهان سوم ناخواسته به پاسبان منافع سلطه تبدیل شده است. ادوارد سعید می‌گوید باید واقعیت را بپذیریم و راه خروج از سیطره سلطه به سهولت ممکن نیست. وی غرب‌شناسی را به جهان اسلام توصیه می‌کند. متأسفانه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران جهان اسلام عمدتاً با برتری نظام سلطه روابط و اهداف خود را تنظیم می‌کنند در حالی که این نگرش نیز توطئه اقناع‌گری غرب و نظام سلطه در جهان اسلام است. در واقع باور جهان سوم این است که به لحاظ نظامی، اقتصادی، فناوری و سیاسی توان مقابله با غرب سلطه‌گر را ندارد. پس بهتر است با پذیرش برتری سلطه آرامش و رفاه را در جامعه خود توسعه دهد. در حالی که غافل از این است که انرژی غرب را جهان اسلام تأمین می‌کند و ریشه‌های علوم و تکنولوژی مدرن از شرق به غرب رفته است و مهم‌تر آنکه جهان اسلام به

لحاظ فرهنگی و اعتقادی نسبت به نظام سلطه برتری دارد. فقط برای اثبات این برتری باید مقاومت و مبارزه کند و نباید ذلت و خواری را بپذیرد. ۶۰ سال مصالحه و عقب‌نشینی ملت فلسطین را به جای موفقیت تا پرتگاه نابودی برده است. اگر حماس و حزب‌الله دفاع نمی‌کردند اسرائیل نه تنها ملت فلسطین را نابود می‌کرد که بخش‌هایی از جهان اسلام را نیز تصرف کرده بود.

بنابراین، تجربه انقلاب بویژه در دو دهه اخیر نشان می‌دهد که با اتکا به ایمان راسخ و تکیه بر اعتقادات اسلام ناب محمدی^(ص) می‌توان در قالب مقاومت قدرت مضاعفی را به دست آورد و در مقابل تجهیزات نظامی مدرن دشمن ایستادگی کرد و به پیروزی رسید کاری که حزب‌الله در لبنان و حماس در غزه علیه اسرائیل انجام دادند و همین‌طور مقاومت عراق علیه آمریکا. در واقع پیروزی مقاومت به عنوان قدرت فائقه بر فناوری دشمن برتری دشمن را خنثی می‌کند و شاید می‌توان گفت تنها راه امکان مقابله قدرت مقاومت است که توانسته دشمن را شکست بدهد. در جهان امروز غیر از قدرت مقاومت امکان دیگری برای مقابله با دشمن وجود ندارد، زیرا توان و فناوری برتر دشمن را خنثی می‌کند و موجب توازن قدرت و در نتیجه اعطای حق به مقاومت محقق می‌شود. پس پیوند بین اجزاء مقاومت به نحوی که دشمن را در جبهه‌های مختلف درگیر کند با الهام از اندیشه‌های عاشورایی شیعه و کسب حمایت از اقتدار ایران اسلامی می‌تواند فرصت مضاعفی را در قدرت فراملی ایران ایجاد کند. قدرتی که با نقاط ضعف دشمن درگیر می‌شود و به پشتوانه ایمان از حمایت مردمی قوی برخوردار است و عنایات خداوند را نیز به همراه دارد و وعده‌های الهی را در حق خود عملی می‌کند.

به همین دلیل دنیای امروز به‌رغم میل باطنی، پیروزی غزه بر اسرائیل را پیروزی ایران می‌داند و بسیار از نتیجه این پیروزی نگران است، زیرا مقاومت شمشیر برنده در میدان نبرد اندیشه عاشورایی با یزیدیان است.

۴ - حوزه نفوذ اندیشه مقاومت: اندیشه مقاومت ریشه در فطرت آزادی خواهی و ظلم ستیزی انسانها دارد. هر انسان یا هر جامعه و ملت فطرتاً به دنبال آزادی و استقلال است. در حقیقت انسان اینگونه آفریده شده است. بنابراین، وقتی انسانها تحت فشار از حقوق بدیهی خود یعنی از آزادی و عدالت محروم می شوند خواسته و یا ناخواسته به دنبال تأمین نیاز خود هستند و حاضرند از هر امکانی استفاده کنند. به همین دلیل تاریخ شاهد سیل هجوم بشر به سوی مکاتب سرمایه داری، سوسیالیزم، سوسیال دموکرات و... است. با این حال، وقتی اشباع و یا ارضاء نمی شود مجدداً به دنبال گمشده خود می رود. به همین دلیل، اندیشه مقاومت اندیشه فراملی است.

مؤسسه اینترپرایز آمریکا در گزارشی در فوریه ۲۰۰۸ درباره نفوذ ایران در شامات، عراق و افغانستان^۱، که در سایت (www.tisri.org) منتشر شده است، می نویسد: ایران در شامات، عراق و افغانستان گروه های دست نشانده ای ایجاد کرده است که می توانند اهداف تاکتیکی مشترکی را دنبال کنند. برخلاف نظر بسیاری از عناصر جامعه اطلاعاتی آمریکا و دیگر کشورها و بر خلاف سیاست شوروی سابق، گروه های دست نشانده ایران از استقلال عمل بالایی برخوردارند و ایران به ندرت به این گروه ها دستورهای عملیاتی می دهد. (اینترپرایز، ۱۳۸۷: ۳) به عنوان مثال:

- دولت سوریه: این دولت از جمله آخرین دست نشانده های ایران در منطقه است و بر خلاف روش حافظ اسد، رئیس جمهور جوان سوریه، بشار اسد، به رغم ایجاد حکومت دیکتاتوری بدون دیکتاتور در داخل سوریه، در حوزه خارجی بیش از هر زمانی به روابط نزدیک با ایران به منظور دریافت راهنمایی و

1 - Iranian Influence in the Levant, Iraq, and Afghanistan American Enter Prise Institute, Feb 2008.

امنیت متکی است.

- حزب الله لبنان: این جنبش از دیر باز به عنوان دست‌نشانده ایران در منطقه عمل کرده است؛ هر چند که در سال‌های اخیر استقلال بیشتری یافته، اما وابستگی آن به ایران بیشتر شده است. این وابستگی بیشتر در زمینه فناوری‌های پیشرفته است. ایران مایل است که کنترل خود را بر فناوری پیشرفته حفظ کند.

- حماس: ایران گروه حماس را ایجاد نکرده، اما مشخص است که با استفاده از موقعیت‌ها، رابطه حامی - متقاضی^۱ با این گروه سنی ایجاد کرده است. این رابطه، امکانات ایران را در شامات فراتر از حزب‌الله و حتی فراتر از جامعه شیعی می‌کند و بر این اساس، راهی برای دسترسی ایران به جامعه افراطی سنی براساس نیاز دشمن مشترک به وجود می‌آورد. این رابطه هم‌چنین امکان ایجاد چندین جبهه را در غرب^۲ برای مبارزه ایران با ایالات متحده و اسرائیل فراهم می‌کند و فرصت زیادی برای ایران ایجاد می‌کند تا بتواند حواس ایالات متحده را پرت کند. لذا ایران نیاز ندارد که فقط از حزب‌الله استفاده کند، ضمن این که حماس جبهه عملیاتی بالقوه دیگری در مقابل اسرائیل است.

- عراق: ایران و حزب‌الله از سال ۲۰۰۲ برای آماده‌سازی شبه‌نظامیان شیعه اقدام کردند. البته هدف ایران طی این مدت تغییر کرده است. ابتدا نیروی قدس سپاه هدف زمین‌گیر کردن نیروهای آمریکا و نه اخراج آن‌ها را دنبال می‌کرد. در حالی که در سال‌های ۲۰۰۶ - ۲۰۰۵ هدف ایران، تبدیل گروه‌های حاضر در عراق به شبکه‌ای شبیه حزب‌الله بود؛ به گونه‌ای که شبکه‌هایی ایجاد شدند که برای ادامه حیات به ایران متکی بودند. ایران خواستار تکرار تجربه حزب‌الله در عراق بود تا گروه‌هایی را ایجاد کند که در مواقع ضروری بتوانند با دولت منتخب به رقابت پردازند.

1 - Patron - Client

2 - Western fronts

هر چند ایران به تسلیح نیروهای شیعی و سنی ادامه می‌دهد، اما به نظر می‌رسد که در ارسال اسلحه، ملاحظاتی نیز دارد. برای مثال، ایران موشک‌های دوش پرتاب زمین به هوا^۱ به نمایندگان نداده است، زیرا این سلاح می‌تواند اثر نامتقارن^۲ بیشتری در عراق بر جای بگذارد.

- افغانستان: ایران سعی دارد که با سه استان هرات، فراه و نیمروز، منطقه‌ای حائل میان خود و افغانستان ایجاد کند تا جایی که حمایت از طالبان برای خودش در درازمدت نباشد. ایران در صورت تهدید آمریکا می‌تواند از عوامل منطقه‌ای خود علیه منافع ایالات متحده استفاده کند. (همان: ۵)

ایران مانند کشوری قدرتمند و عاقل عمل کرده است و در تضاد مستقیم با منافع ایالات متحده قرار دارد. ایران از آمریکا نمی‌ترسد، زیرا گروه‌هایی را ایجاد کرده است که به راحتی نمی‌توان از شر آن‌ها رها شد. آمریکا در موارد زیر منفعت همیشگی دارد: تثبیت لبنان، کرانه باختری، غزه، عراق و افغانستان که باید حزب‌الله و حماس را کنترل و حاکمیت در عراق و افغانستان را تقویت کند. از طرفی باید از تبدیل ایران به قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی در خاورمیانه جلوگیری کند. بنابراین، جمهوری اسلامی و ایالات متحده منافع کلیدی زیادی در منطقه دارند که با یکدیگر در تضاد است. سرعت ساخت سانتریفیوژ توسط ایران بیشتر از تأثیر تحریم‌های آمریکاست. ایران با توسعه روابط اقتصادی با چین و روسیه تحریم‌های آمریکا را کم اثر کرده است. (همان: ۷)

ایران به عنوان کشور قدرتمند عاقل با حمایت‌های خود از مقاومت بویژه از جریان‌های سنی مانند حماس، جهاد اسلامی، گروه‌های افغانی و مسلمانان بوسنی، جایگاه ویژه‌ای در افکار عمومی مسلمانان دارد. علاوه بر آن، پیروزی‌های حزب‌الله

1 - Man - portable surface - to - air Missiles

2 - Asymmetric

علیه اسرائیل حمایت‌های جدی در جهان اسلام به وجود آورد. به نظر می‌رسد، همان طور که مسلمانان مصر و دیگر کشورهای اسلامی از اقدام حزب‌الله در شرایط جنگ دفاع کردند، ایران اسلامی نیز می‌تواند افکار عمومی جهان اسلام را به عنوان پتانسیل نهفته برای خود در راستای قدرت نرم در مقابل تهدیدات بیرونی محاسبه کند؛ چیزی که تا کنون ضرورتی برای ابراز آن وجود نداشته است.

انقلاب اسلامی براساس اندیشه آزادی‌خواهی شیعی و سازش‌ناپذیری با ستمگر و نفی سلطه به وجود آمد و در حقیقت، این انقلاب براساس تفکر امام با تمام انقلاب‌های مذهبی غیرشیعی متفاوت است.

بعد از این که ایران از اردوگاه غرب جدا شد، آمریکایی‌ها به شدت نگران بودند که رهبران انقلاب حداقل برای انتقام از غرب یا حفظ خود در شرایط سخت ممکن است به دامان شرق بیافتند؛ اما امام (ره) کمونیسم و امپریالیسم را با هم رد کرد و کمک خداوند را کافی دانست. بنابراین، پیروزی انقلاب اسلامی و موضع‌گیری امام نظر مسلمانان و آزادی‌خواهان جهان را جلب کرد.

در حقیقت، اقتدار و ایستادگی و پیروزی امام در مقابل شرق و غرب بارقه‌امیدی بر تمام ستمدیده‌ها بود و نظر آن‌ها را متوجه انقلاب اسلامی کرد. انقلاب اسلامی تحت رهبری امام^(ره) از سه ویژگی برای گروه‌های مقاومت برخوردار بود:

- مقاومت پیروزمندانه ایران در مقابل قدرت‌های بزرگ؛

- رهنمودها و رهبری امام و عبور موفق از بحران‌ها؛

- حمایت کشور مستقل و اسلامی ایران از منفعت و مصلحت مقاومت.

بنابراین، اندیشه و رفتار انقلاب اسلامی الگویی برای ملت‌های تحت سلطه گردید تا آن‌ها برای رهایی از بن‌بست موجود بتوانند تکیه‌گاهی برای خود برگزینند.

۵- مصادیق مقاومت:

۱-۵ - فلسطین

اشغال فلسطین با حمایت همه‌جانبه غرب و ظلم و ستم در حق مردم مسلمان این سرزمین، از زخم‌های کهنه و التیام نیافته بشریت بویژه جهان اسلام بود که تمام مسلمانان را منفعل و نسبت به آینده فلسطین ناامید و شکست‌خورده کرده بود. از طرفی، نبود پشتوانه خارجی، نیروهای مقاومت در داخل فلسطین را تضعیف و ناامید می‌کرد که با الهام از انقلاب اسلامی گروه‌های مقاومت احیا و انتفاضه‌های مردمی آغاز شد و گروه‌های جهاد اسلامی و حماس به اقتدار رسیدند و بیش از هر زمان، رژیم صهیونیستی و حامیانش را تحت فشار جدی قرار دادند. این در حالی بود که رهبران وابسته و سرسپرده در جهان اسلام نه تنها برای حمایت از فلسطین اقدامی نکردند، بلکه جلوی مردم خود را نیز گرفتند. با گذشت زمان و اقتدار انقلاب اسلامی، مقاومت فلسطین نیز گسترش یافت به گونه‌ای که امروزه در صحنه فلسطین مقاومت مردمی با تکیه بر الگو و اندیشه مقاومت جمهوری اسلامی ایران توانسته است بیش از هر زمان اسرائیل و غرب را منفعل کرده و امید پیروزی را در دل ملت فلسطین زنده کند.

۲-۵ - لبنان

اشغال لبنان در سال ۱۹۸۲م. توسط اسرائیل شرایطی بحرانی برای مسلمانان جنوب لبنان ایجاد کرد و مردم و مقاومت اسلامی لبنان راهی جز مبارزه نداشتند. در این شرایط حکومت لبنان نیز قادر نبود به مقاومت کمک کند. بنابراین، اندیشه انقلاب اسلامی تنها الگو و حامی مقاومت لبنان محسوب می‌شد که البته شیعه بودن مردم جنوب لبنان و داشتن روحیه حماسه حسینی و اعتقاد به ولایت فقیه باعث شد تا مقاومت با سرعت بیشتری شکل بگیرد و در نهایت اسرائیل را به خروج از سرزمین‌های اشغالی جنوب لبنان وادار کند. مقاومت لبنان با وجود امکانات محدود

توانست با تمام تهدیدات مقابله و به عنوان یک چالش‌گر بزرگ در منطقه ایفای نقش کند. پیروزی مقاومت در جنگ ۳۳ روزه علیه اسرائیل، عظمتی از مقاومت به وجود آورد که غرب را منفعل و توده‌های مردمی را امیدوارتر کرد.

«سیمون هرش» خبرنگار آمریکایی در این زمینه می‌نویسد: «قدرت و مقاومت اعجاب‌انگیز حزب الله و توانایی مداوم آن در حمله راکتی به شمال اسرائیل، یک عقب نشینی بزرگ برای کسانی است که می‌خواهند، در کاخ سفید از زور درباره ایران استفاده کنند و کسانی که استدلال می‌کنند، بمباران باعث ایجاد اپوزسیون داخلی و انقلاب در ایران می‌شود نیز عقب نشینی کرده‌اند. قرار بود حمله به لبنان مقدمه بمباران مراکز اتمی ایران باشد». استاد دانشگاه برادفورد انگلیس نیز در این خصوص اظهار داشت: «شکست اسرائیل در لبنان، درس عبرتی برای ماجراجویی احتمالی آمریکا علیه ایران است».

تحلیل‌گران مسائل سیاسی معتقدند که حزب الله لبنان با حرکت منطقی خود، جهان اسلام را از یک توطئه بزرگ نجات داد که در صورت اجرا، جهان اسلام هزینه‌هایی چند صد برابر از تلفات و خسارات جنگ کنونی رژیم صهیونیستی بر ضد لبنان پرداخت می‌کرد. این حزب الله شیعی در یک حرکت توحیدی، از حماس فلسطین و سنی حمایت کرد و با ارائه‌ی یکی از بزرگ‌ترین حماسه‌های همبستگی دینی موفق شد، طرح جنگ مذهبی میان شیعه و سنی آمریکا را محاصره کند و زمینه‌های گسترش آن را در سطح جهان اسلام از بین برد.^۱

۳-۵ - بوسنی و هرزگوین

تجاوز ددمنشانه بر ضد اقلیت مسلمان بوسنی در مرکز اروپا و کشتار بی‌رحمانه آن‌ها، مسلمانان بوسنی را در تنگنایی قرار داد که حامی جز ایران

1 - <http://www.hawzah.net/hawzah>

نداشتند. با وجود این که این واقعه بعد از حیات امام^(ره) رخ داد، ولی انقلاب اسلامی براساس وظیفه شرعی خود نسبت به انسان‌ها و مسلمانان، در صحنه حضور یافت و به عنوان یکی از دو بازیگر اصلی در بالکان ایفای نقش کرد و مسلمانان را از خطر نابودی نجات داد. در حقیقت، انقلاب اسلامی که هر لحظه تحت فشار و تهدید غرب بود، توانست در اروپا نیز نقش ایفا کند و به ندای مظلومیت مسلمانان بوسنی نیز لبیک گوید.

هفته‌نامه دانی سارایوو نوشت: آمریکا اکنون نگران است که پایان دادن به روابط بین ایران و بوسنی که در دوران جنگ توسعه یافته بود، کاری دشوار باشد. در واقع، نگرانی عمده آمریکا این است که بوسنی به یک متحد کلیدی ایران تبدیل شود و برای رژیم اسلامی تهران جای پای در اروپا ایجاد کند. (اکبری، ۱۳۸۵: ۲۳۳)

ریچارد هولبروک، نماینده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا (کلینتون) در بالکان، درباره نقش ایران در بوسنی می‌گوید: اگر اقدامات ایران برای کمک به مسلمانان در سال ۱۹۹۴ نبود، مسلمانی در بوسنی باقی نمی‌ماند که امروز ضرورتی برای طرح دیتون وجود داشته باشد. (اکبری، ۱۳۸۴: ۲۲۶)

۴-۵ - افغانستان

به رغم تداوم جنگ عراق علیه ایران و تمایل روس‌ها برای کمک به ایران، اما جمهوری اسلامی برخلاف اصرار روس‌ها هم‌چنان از مقاومت ملت افغانستان در مقابل روس‌ها دفاع کرد. علاوه بر آن، با حمایت از آوارگان افغانی و عراقی در طول سال‌ها جنگ، توانست بیش از یک میلیون عراقی و افغانی آواره را تحت پوشش و حمایت خود قرار دهد. بنابراین، گروه‌هایی که از حمایت انقلاب اسلامی برخوردار شدند، توانستند در افغانستان به قدرت برسند و موفقیت‌هایی کسب کنند که این نیز از اثرات انقلاب اسلامی برای تضعیف استکبار و افزایش توانمندی اسلام انقلابی به حساب می‌آید.

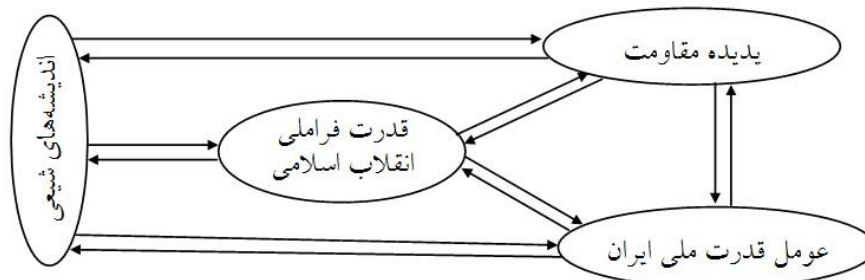
۵-۵ - عراق

به رغم جنگ هشت ساله حزب بعث به نیابت از غرب علیه انقلاب اسلامی که توانمندی مسلمانان عراق و ایران را همراه با صدمات اقتصادی و اجتماعی مصروف جنگ کرد، اما در دوران تحریم عراق از سوی آمریکا و سازمان ملل، تنها کشوری که کمک‌های انسان‌دوستانه به عراق می‌فرستاد، ایران بود. هم‌چنین ایران جزو کشورهای مخالف حمله آمریکا به عراق بود. از طرفی، مقاومت عراقی در قالب مجموعه‌های نظامی مانند سپاه بدر و احزاب سیاسی تحت حمایت انقلاب اسلامی بودند که در حقیقت این حمایت‌ها فرصت و سرمایه‌ای برای مقاومت عراق به وجود آورد؛ به گونه‌ای که امروزه بخش عمده‌ای از حکومت عراق برخلاف خواست و اراده آمریکایی‌ها در دست آنهاست. گرچه آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر با تئوری جنگ پیش‌دستانه، افغانستان و عراق را اشغال کرد و به تعبیری در جهت توسعه هژمون آمریکایی با هدف اشغال یا تسلیم خاورمیانه با طرح‌های خاورمیانه بزرگ و سپس خاورمیانه جدید از اشغال عراق به عنوان کلید منطقه خاورمیانه نام برد و در صدد بود بعد از عراق کشورهای سوریه، عربستان و ایران را اشغال کند، اما باتلاق عراق باعث شد به جای اجرای استراتژی هژمونی خود به دنبال تهیه استراتژی برای چگونگی خروج از عراق برآید و در اظهار ناتوانی خود دخالت ایران اسلامی و عوامل مقاومت شیعی را رسماً و علناً مطرح کند. در واقع اعتراف ابرقدرت آمریکا بر چالش‌آفرینی گفتمان مقاومت ایرانی اهمیت مقاومت با اندیشه شیعی را بیان می‌کند.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی با شعار نه شرقی و نه غربی و دفاع از مسلمانان و نهضت‌های آزادی‌بخش مبتنی بر اصول و عقاید دینی، به عرصه جهانی وارد شد و به‌رغم درگیری در بحران‌های داخلی و منطقه‌ای وظایف دینی خود را از همان آغاز انقلاب دنبال کرد

و از مبارزان فلسطین حمایت قاطع نمود و شعار محو و نابودی اسرائیل را در شرایطی سر داد که اسرائیل و آمریکا در اقتدار کامل به سر می‌بردند. البته این استراتژی در حوزه شعار باقی نماند، بلکه در حوزه عمل نیز وارد شد و امیدی برای مسلمانان و مبارزان آزادی‌خواه در جهان و بویژه منطقه گردید و بلافاصله موج انقلاب به کشورهای اسلامی کشیده شد و توانست از مخاطبان خود حمایت کند. بنابراین، اقتدار انقلاب اسلامی در سه حوزه توانسته است تأثیرگذار باشد که علاوه بر اینکه هرکدام از آنها ویژگی مستقلی دارند، اما در تبیین قدرت فراملی انقلاب از پیوستگی خاصی تبعیت می‌کنند.



مدل کنشی و واکنشی مؤلفه‌های قدرت فراملی ایران

مؤلفه‌های قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی در سه حوزه مورد توجه قرار گرفته که عبارتند از: مؤلفه قدرت ملی، مؤلفه اندیشه‌های حکومتی شیعه، مؤلفه پدیده مقاومت.

- مؤلفه قدرت ملی تا حدی مورد اشاره قرار گرفت که در حقیقت، دولت ایران متولی تقویت این شاخص‌هاست و به طور طبیعی و در رقابت با قدرت‌های رقیب در پیشرفت آن به خصوص در دو دهه گذشته موفقیت‌هایی داشته است که در نمودارها اندازه‌گیری و تشریح شد.

- اندیشه شیعی که حکومت ولایت فقیه نیز از آن نشأت می‌گیرد، مسئولیتی

است که مراجع شیعی در طول تاریخ از حریم آن دفاع کردند. نقش امام در خلق تئوری انقلاب اسلامی با حکومت ولایت فقیه و نقش آیت‌الله سیستانی در دفاع از مرزهای شیعی در عراق اشغال‌شده در این رابطه است.

- گفتمان مقاومت که ناشی از اندیشه‌های اسلام ناب محمدی (ص) و پویایی شیعه است و امام (ره) بنیان‌گذار آن بود، اقدامی نو حتی در تاریخ شیعه و در شرایطی بسیار سخت و پیچیده که امروزه توانسته است قدرتمندترین دشمن را به چالش بکشد و حاشیه امنیتی گسترده‌ای برای اندیشه اسلام سیاسی ایجاد کند. در حقیقت، جمهوری اسلامی ایران به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد مذکور بعضاً فراتر از برخی تئوری‌های منطقه‌ای دارای قدرت است، زیرا قابلیت‌های گفتمان مقاومت و ویژگی‌های سیاسی و مذهبی آن از جمله ویژگی‌های منحصر به فرد ایران در مقایسه با دیگران است. گفتمان غالب مقاومت و اندیشه‌های اصولی جهان وطنی می‌تواند در حوزه‌های مختلف به عنوان حرکت نامتقارن ایفای نقش کند. در این نوع قدرت که نرم و غیرمحسوس است دشمن باید با جنگ نرم مقابله کند که تجربه نشان داده است که در این حوزه فاقد کارآمدی لازم در برخورد با این نوع از قدرت بوده است. بنابراین، گفتمان مقاومت قادر است:

- تجهیزات مدرن دشمن را در برخورد ناکارآمد کند؛

- زمان و مکان را به دشمن تحمیل کند و محاسبه را در برخورد از دشمن بگیرد؛

- با حداقل امکانات از نقطه کور به دشمن ضربه بزند و دشمن را نگران و

منفعل کند؛

- مانع از اجرای طرح‌های دشمن گردد و با اقدام نظامی کور روندهای

سیاسی را مختل کند؛

- هسته‌های مقاومت را تشکیل و در جغرافیای وسیعی دشمن را درگیر کند

و میدان نبرد را در سطح داخلی، محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به حریف

تحمیل کند.

این قدرت می‌تواند توان دشمن را در اجرای طرح‌های خود ناکام کند، ولی

بعضاً نمی‌تواند علنی ظاهر شود و نقش به عهده بگیرد و اجرا کند، زیرا در فضای نامتقارن نبرد می‌کند. در حقیقت، توجه به شاخص‌های مهم دیگری غیر از قدرت سخت و علنی است که سازه‌انگاران نیز آن را جزو قدرت می‌دانند. گروه‌های مقاومت به دلیل ویژگی‌های خاص خود عملاً نه تنها دور از تیررس سلاح‌های مدرن دشمن است بلکه می‌تواند:

- به عنوان یک بازیگر برهم زننده بازی نقش ایفا کند؛

- با نقش واکنشی نسبت به هر کنشی، آن را منفعل کند؛

- تخریب یا حداقل تأخیر در روند تحولات غیرمطلوب ایجاد می‌کند.

در نهایت مقاومت به عنوان حرکتی فراملی در خارج از جغرافیای ایران می‌تواند بستری برای تبلیغ و توسعه اندیشه‌های متعالی اسلام ناب محمدی (ص) بوده و کشور ایران با داشتن توانمندی در حوزه عوامل قدرت ملی می‌تواند عقبه محکمی برای مقاومت و ایستادگی خود و دیگران باشد.

در حقیقت اقتدار ملی ایران پایه و اساس برای حفظ و بقای حکومت اسلامی است که این قدرت علاوه بر مقاومت در مقابل تهدیدات دشمنانش اعم از جنگ و تحریم و انزوا و تهدید توانسته است حرکت رو به جلو را دنبال کند و حداقل از کشورهای منطقه عقب نماند چرا که باور غالب این است که توسعه و پیشرفت کشور به حمایت و روابط آن‌ها با کشورهای پیشرفته بستگی دارد، در حالی که انقلاب اسلامی بدون این حمایت توانسته قله‌های مهمی را فتح کند و دنیای غرب را به وحشت و انفعال وادارد که اساساً این پیشرفت بستر اصلی برای توسعه قدرت فراملی تلقی می‌شود. اگرچه عقبه این موفقیت و اعتماد به نفس و استقلال به اندیشه‌های عاشورایی شیعه برمی‌گردد، زیرا تنها اندیشه‌های عاشورایی مبنای اصلی مقاومت، پیروزی و حتی محتوی حکومت ولایت فقیه است که با اتکال به وعده‌های الهی خارج از قواعد معمول ریسک‌پذیری و مقاومت را پیشه خود نموده و با اعتماد به نفس و تکیه بر خود غیرخودی‌ها را رانده و توانسته است به این مرحله برسد. بنابراین، اندیشه شیعی در امتزاج دین و سیاست مسیر حرکت و استراتژی انقلاب را ترسیم

نمود و با شعار جهان وطنی پیوند فراملی را برای ایران اسلامی به وجود آورد و موجب شد مقاومت به عنوان مؤلفه مهمی در افزایش قدرت فراملی ایران سهم داشته باشد و در واقع اگر این اندیشه نبود مقاومت نمی شد و اگر ایستادگی مقاومت پیروزی نمی آفرید جنبش‌ها به انقلاب به عنوان الگو توجه نمی کردند و حرکت مقاومت در جهان اسلام شکل نمی گرفت. بنابراین، اقتدار ملی و گفتمان شیعی زمینه ایجاد گفتمان مقاومت را به وجود آورد و به تدریج به پدیده مقاومت تبدیل شد. پدیده‌ای که نه تنها از مرزهای ایران گذشته بلکه فراتر از مرزهای مذهب شیعه نیز عمل می‌کند. قدرت مقاومت در عراق، لبنان، افغانستان و... غالباً توسط شیعه دنبال می‌شود. اما در حوزه فلسطین (حماس) و بوسنی و... توسط اهل تسنن دنبال می‌شود که پیوستگی عمیق بین حزب الله لبنان و حماس در فلسطین نشان از عمق اعتقاد شیعه به دفاع از حقوق مسلمانان و در نتیجه اقتدار مقاومت در حوزه فراملی است و این مقاومت پاسدار ارزش‌ها و اهداف متعالی قدرت فراملی انقلاب اسلامی در جهان است که در کنش متقابل سه مؤلفه فوق الذکر رو به رشد، توسعه و تعالی است که اگر بتواند از دیوارهای حکام سرسپرده و استکبار عبور کند راه نجاتی برای تمام بشریت خواهد بود.

در حقیقت مکمل بودن اندیشه عاشورائی در ایجاد مقاومت و ایستادگی و گسترش مقاومت در توسعه اندیشه شیعی مکملی سازگار و ماندگار است که می‌تواند با اتکا به قدرت الهی و در بستر عوامل قدرت ملی ایران به سهولت تقویت شده و حرکت رو به پیش را ادامه دهد و عملاً گسترش مقاومت موجب تقویت ایران و اندیشه شیعی و برعکس می‌شود که این شاخص علاوه بر اینکه در نیاز فطری بشر ریشه دارد به نوعی به قدرت الهی متصل می‌شود و امید عملی شدن وعده‌های الهی را در حق مؤمنین و مستضعفان محقق می‌سازد که اگر این مقاومت که اراده الهی در آن متجلی است نبود نظام سلطه یکه‌تاز و لجام‌گسیخته ممکن بود موجودیت بشر را به یغما ببرد که امید است این جرقه امید ملت‌های مظلوم و بویژه امت مسلمان را به تحرک عظیم وادارد تا رهبران کشورهای اسلامی که خود را به خواب زده‌اند را وادار به بیداری کند.

منابع

- ۱ - احتشام، انوشیروان، «جایگاه بین‌المللی ایران پس از سقوط بغداد»، ترجمه سلطانی‌نژاد و حاج‌یوسفی، انتشارات دفتر مطالعات وزارت خارجه، تهران، ۱۳۸۶.
- ۲ - اکبری، حسین، «آمریکا از واقعیت تا حقیقت»، انتشارات اندیشه‌سازان نور، تهران، ۱۳۸۵.
- ۳ - اکبری، حسین، «بوسنی در گذر زمان»، انتشارات اندیشه‌سازان نور، تهران، ۱۳۸۴.
- ۴ - ایوانز، گراهام و جفری نونام، «فرهنگ روابط بین‌الملل» مترجمان حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۱.
- ۵ - برزگر، کیهان، «ایران، عراق جدید و نظام امنیت منطقه یا خلیج فارس»، راهبرد، نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک ش ۴۳ بهار ۱۳۸۶.
- ۶ - برزگر، کیهان، «چالش‌های امنیتی ایران در عراق جدید»، مجموعه مقالات کنفرانس خلیج فارس، انتشارات دفتر مطالعات وزارت خارجه، تهران، ۱۳۸۴.
- ۷ - توال، فرانسوا، «ژئوپلیتیک شیعه»، ترجمه علیرضا قاسم آقا، نشر آمن، تهران، ۱۳۷۹.
- ۸ - چامسکی، نوام، «سروری یا بقا؛ تلاش آمریکا برای سلطه بر جهان»، مترجمان، رئیس‌زاده و غرائی، نشر آبی، تهران، ۱۳۸۷.
- ۹ - حافظ‌نیا، محمدرضا و سیدهادی زرقانی، «جایگاه ایران در نظام ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای»، فصلنامه راهبرد دفاعی سال پنجم، ش ۱۸، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، تهران، ۱۳۸۶.
- ۱۰ - حافظ‌نیا، محمدرضا، «خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز»، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۱ - حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر، ترجمه بازتاب ۱/۲۱/۱۳۸۵.
- ۱۲ - خداوردی، محمداسماعیل، «مسائل منطقه‌ای ایران»، انتشارات یاقوت، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۳ - زرقانی، سیدهادی، «ارزیابی عوامل و متغیرهای مؤثر بر قدرت ملی و طراحی مدل

- سنجش قدرت ملی» رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۸۵.
- ۱۴ - سریع‌القلم، محمود، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران، ۱۳۷۹.
- ۱۵ - شیرودی، مرتضی، «مسائل منطقه‌ای ایران»، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات تحسین، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۶ - فرناندس، وسف، «نفوذ تفکر امام خمینی^(ره) در اسپانیا و آمریکای لاتین»، ترجمه فریبا گرگین، نشریه رسانه‌های دنیا، ش ۲۲۰۲، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۷.
- ۱۷ - فولر، گراهام و ایان لسر، «احساس محاصره ژئوپلیتیک اسلام و غرب» مترجمان فرشچی و کرمی، دافوس، تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۸ - فولر، گراهام و رندرحیم فرانکه، «شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده»، ترجمه خدیجه تبریزی، نشر اسوه، تهران ۱۳۸۴.
- ۱۹ - مؤسسه شیعه شناسی، ماهنامه، ش ۲۸، ص ۴۴، قم، اسفند ۱۳۸۶
- ۲۰ - متقی، ابراهیم، «امنیتی شدن یک پرونده»، پژوهشکده مطالعات راهبردی، پایگاه خبری تحلیلی ریسن، ۱۳۸۴.
- ۲۱ - مجتهدزاده، پیروز، «جغرافیای سیاسی تنگه هرمز»، ترجمه صفیر، نشر صفیر، اصفهان، ۱۳۷۱.
- ۲۲ - مجله راهبرد، مرکز تحقیقات راهبردی - دفاعی، ش ۱۲، ۱۳۸۱.
- ۲۳ - مک لین، ایان، «فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد»، ترجمه حمید احمدی، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۱.
- ۲۴ - ناظم‌الرعايا، مهدی داریوش، «پروژه خاورمیانه جدید»، ترجمه حسینی سپهر، فصلنامه جهان اسلام ش ۲۹، تهران، ۱۳۸۶.
- ۲۵ - هورک هایمر، مارکس، «نظریه انتقادی دیروز و امروز»، ترجمه احمدحسین مبلغ، نشریه نقد و آرمان، ش ۳ و ۴، کالیفرنیا، ۱۳۷۵.

26 - <http://www.bashgah.net/pages-20537.html>. (Aliashraf.nazari)

27 - <http://www.tisri.org>, Feb, 2008 inter prise.u.s

28 - <http://www.hawzah.net/hawza/numberID4878>

